

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Introduction of the Beauty Admiration Models based on "Hamd" or
Praising Levels in the Holy Quran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مدل‌های تحسین زیبایی برگرفته از مراتب حمد در قرآن

فرهنگ مظفر^۱، احمد رضا اخوت^۲، عاطفه پورصالحی^{۳*}

۱. دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.

۲. دانشکده علوم پایه، دانشگاه تهران.

۳. پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۰۳ تاریخ اصلاح: ۹۷/۱۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۰۲ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۹/۰۱

چکیده

بیان مسئله: تحسین کردن زیبایی، واکنشی است طبیعی که در مواجهه با زیبایی بروز می‌کند. ابراز این واکنش نیز دارای اثراتی است بر سایر افراد، به گونه‌ای که توجه دیگران را به سمت زیبایی معطوف می‌کند. لذا به نظر می‌رسد ضرورت مطالعه در باب تحسین کردن زیبایی در فضای هنر و توجه به زیبایی حقیقی در فضای معرفتی و قرآنی، به عنوان بحثی میان‌رشته‌ای قابل توجه باشد. در واقع این مقاله، تلاش کوچکی است برای کاربردی کردن مباحث معرفتی به شکل فرآیندی که ضرورت نگارش این مقاله بوده است.

هدف: در واقع این مقاله، تلاش کوچکی است در مسیر کاربردی کردن معارف و مبانی اعتقادی در فضای هنری و تبدیل مفاهیم به مدل‌های قابل اجرا در این عرصه که با بهره‌گیری از کلام قرآن انجام شده است.

روش تحقیق: نتایج حاصله با روش استدلال قیاسی تام در کلام قرآن مجید (جامعه آماری محدود) به دست آمده است. به این گونه که حمدهای قرآن احصا شده و براساس مرتبه‌ای از حسن که تحسین شده، دسته‌بندی و نهایتاً با تحلیل و جمع‌بندی جدول، دستاورد مطالعه به دست آمده است.

نتیجه‌گیری: دستیابی به پنج گروه کلی به عنوان پنج مدل تحسین کردن مراتب زیبایی از قرآن و بیان روش‌های القایی قابل استفاده برای هنرمند جهت اثرگذاری بر مخاطب و به تحسین واداشتن او در مواجهه با زیبایی متجلی شده در اثر هنری دستاوردهای این مقاله است.

واژگان کلیدی: تحسین، زیبایی، حمد.

مقدمه

سوء‌گیزی و همچنین شناخت، رواج و احیای امور احسن و نهایتاً بالارفتن توان تحسین افراد به این معنی که هر جا با حسنی مواجه شوند، آن را تحسین کنند. برای نیل به این منظور لازم است هنرمند به طور آگاهانه و برمبنای ابراز تحسین سطوح مختلفی از زیبایی، اثرآفرینی داشته باشد و آثار هنری به گونه‌ای نمایانده شود که مخاطبی که فطرت سالم دارد، بعد از مواجه شدن با اثر هنری، زیبایی متجلی شده در اثر را تشخیص داده و آن زیبایی را تحسین کند. از این رو می‌توان با بهره‌گیری از مفاهیم و روش‌های قرآنی در این موضوع، به مدل‌هایی برای تحسین زیبایی و

از آنجا که تحسین زیبایی، راهی است برای سیطره بر توجه افراد، لذا کاربرد بسیاری در طراحی نظام تعلیم و تربیت و رشد افراد جامعه دارد. آموزش تحسین زیبایی، آثار بسیاری در پی دارد از جمله رفع بی‌اعتنایی در افراد، اصلاح ذائقه حس‌گرایی به شکل افزایش میل به حسن‌طلبی و

* نویسنده مسئول: ۰۲۱۸۸۴۴۷۵۲۲
atefehpoursalehi@yahoo

این مقاله برگرفته از رساله دکتری «عاطفه پورصالحی» با عنوان «تبیین مدل‌های تحسین زیبایی و القای آن به مخاطب با بهره‌گیری از مفهوم حمد در قرآن» است که به راهنمایی دکتر «فرهنگ مظفر» سال ۱۳۹۶ در دانشگاه هنر اصفهان ارائه شده است.

با چنین توصیفات‌هایی که در کل قرآن بیان شده است. قرآن، توصیف‌های خدایی است که ستایش مخصوص اوست، توصیف اجمالی و تفصیلی از کمال مطلق خداوند است. خداوند فاتحه فاتحه‌الکتاب خود را با حمد خود آغاز می‌کند و این شاید به دلیل تأثیری باشد که حمد خداوند بر خواننده دارد. از آنجایی که قرآن هدی للمتقین است، لذا هر انتخاب نوع بیانی در جهت هدایت و رشد انسان‌ها اتخاذ شده است. پس حتماً بهترین شیوه برای هدایت انسان‌ها راهی است که خالق خلق فرموده و آن شروع با حمد و تحسین و ستایش کمال مطلق ربوبی است و سپس توصیف و تفصیل آنچه ستوده شده است. تحسین کردن زیبایی باعث جلب توجه افراد به امر زیباست لذا نکته مهم، تشخیص زیبایی حقیقی و حسن هر چیز می‌شود که اگر محقق شود، تحسین حسن سبب توجه بیشتر به حسن و دیده‌شدن آن شده که این خود زمینه‌ای است برای القای حسن‌بینی و حسن‌شناسی افراد که موجب رشد و ترویج حسن‌گرایی و حسن‌طلبی در جامعه می‌شود. چنانچه امروزه می‌بینیم فرهنگ‌سازی و هنر‌سازی در جوامع، تبلیغات و حتی سیاست و حکومت به گونه‌ای مدیریت می‌شود که از طریق تعریف نظام ارزش‌گذاری به واسطه القایی که با تحسین کردن اتفاق می‌افتد، اثرگذار شود. لذا به نظر می‌رسد همین نفس ستودن، حاوی اثرات آموزشی است برای هرکسی که مخاطب و شنونده است. تحسین کردن در عرف، فعالیت‌هایی است از جنس عکس‌العمل در مقابل امری مقبول که معمولاً افراد با تحسین کردن، ابراز تأیید و تشویق می‌کنند. این تأیید و تشویق بر خود تحسین‌کننده و نیز شنونده آن، اثر می‌گذارد. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد فرد تحسین‌کننده به اندازه تحسین خود در نتایج معنوی امری که آن را تحسین می‌کند، شریک می‌شود.

از آنجایی که هنر، فرآیندی اثرگذار بر مخاطب است و حیثیتی هدایتی دارد، آموزشی بودن و کمال‌گرایی غایت هنر است. «هنر در حقیقت به معنای کمال و فضیلت بوده و غایت این هنر-به مفهوم مصطلح- نیز همان است که هم خود کمال و فضیلت باشد و هنرمند را با خود به کمال برساند و هم مخاطبان خویش را به مدارج بلند کمال و فضیلت بکشاند. هنری این‌چنین، عین مبارزه و تعهد است» (آوینی، ۱۳۷۲: ۴۷).

استحسان به معنای طلب و دریافت زیبایی نهفته در انسان، در حقیقت کشف زیبایی باطنی معشوق ترکیب آنها با زیبایی‌های ظاهری او از مشاهده به نظر کردن تمرکز و تفکر در زیباشناسی است (امامی جمعه، ۱۳۵۸: ۱۹۷).

پیشینه تحقیق

در واقع در این مقاله، دریافت زیبایی مخاطب و اثرپذیری او

روش‌های القایی دست یافت که اولاً این روش‌ها و مدل‌ها قابل استفاده برای هنرآفرینی هنرمندان بوده و به شکل هدفمند از این توان برای رشد افراد و جامعه بهره بگیرند، ثانیاً از این مدل‌ها برای ارزیابی آثار هنری موجود و تأثیر القایی‌شان بر مخاطب بر مبنای حسن، استفاده کنند.

مبانی نظری

تحسین کردن زیبایی، فرآیندی مهم و قابل بررسی در مباحث زیبایی‌شناسی اسلامی- قرآنی است. برای تحسین زیبایی لازم است ابتدا زیبایی حقیقی مورد نظر قرآن را بشناسیم و سپس آن را مورد تحسین و ستایش قرار دهیم.

همه اسماء خداوند دارای حسن هستند، زیرا تجلی کمال مطلق خداوند در اسماء الحسنی است و در حسن بودن اسماء فرقی بین اسماء جمالیّه و اسماء جلالیّه وجود ندارد؛ لذا هر جا اسماء تجلی کند، حسن هم متبلور می‌شود. از طرفی همه عالم تجلی اسماء الهی است، لذا حسن و زیبایی در همه عالم و همه مخلوقات و پدیده‌ها وجود داشته و زشتی و نازیبایی در خلقت مخلوقات جایی ندارد؛ در واقع «مقام حسن یا زیبایی مقام ظهور حقیقت است؛ یعنی وقتی حقیقت تجلی می‌کند، زیبایی تحقق پیدا می‌کند. اساساً مبنای حسن، تجلی است» (پازوکی، ۱۳۸۸: ۲۶). خداوند خودش را می‌ستاید^۱ و بزرگان عالم نیز او را می‌ستایند به این معنی که درک و دریافته‌شان از زیبایی و حق را به شکل حمد کردن ابراز می‌کنند. کسی که بتواند با دیدن مخلوق یا پدیده پی به اسماء برده و حسن متجلی شده در آن را درک و دریافت کرده و آن را ابراز کند، صاحب اسماء را می‌ستاید و لذا به معرفت حمد دست یافته و می‌گوید الحمدلله. «حمد در انسان دریافتی از حقیقت است، حقیقتی که در ذات خود از هرگونه نقصی مبرا بوده و در آن از همه جهت و به طور کامل حسن و زیبایی آشکار است. معرفت حمد فهم و دریافت این زیبایی است» (اخوت، ۱۳۹۳: ۸). این سیر را خداوند در قرآن و آئمه در ادعیه و روایاتشان به ما آموخته‌اند. لذا با مطالعه حمد‌های قرآن و روایات می‌توان نظاره‌ای داشت به چگونگی رسیدن به معرفت حمد. تحسین و ستایش مخصوص خداوند است. الحمدلله، حمد مخصوص خداست. خدای تعالی هم در برابر اسماء جمیلش محمود و سزاوار ستایش است و هم در برابر افعال جمیلش و نیز روشن شد که هیچ حمدی از هیچ حامدی در برابر هیچ امری از محمود سر نمی‌زند مگر آنکه در حقیقت حمد خداست، زیرا جمیلی که حمد و ستایش حامد متوجه آن است فعل خداست و او ایجادش کرده، پس جنس حمد و همه آن از آن خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۱). حمد یعنی ستایش کردن، ستودن. حمد: ستایش. ثناگوئی. ستودن (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷۲). ستایش، منحصر به خدایی است

تأیید را ابراز کند. یا اینکه فراتر از این مرحله رفته، زیبایی امر زیبا فرد را به شگفت آورده و این شگفتی را ابراز کند. به زیبایی زمانی که درخشش آن فرد را دچار شگفتی کند، بهاء گفته می‌شود. همچنین تحسین می‌تواند به شیوه قولی ابراز شود (قل) و اگر با عوامل دیگری مانند رغبت و طلب و اراده و ... همراه شود، منجر به ابراز و تحسین عملی شده، چنانچه زیبایی درک شده، در اعمال زیبای فرد بروز می‌کند. لذا به نظر می‌رسد که باید ابراز تحسین حاصل از فهم و تشخیص زیبایی (به هر طریق که باشد) را به عنوان آخرین مؤلفه فرآیند تحسین کردن در نظر گرفت.

• تحسین زیبایی در قرآن

حسن، زیبایی حقیقی و ثابت است که ماهیتی وجودی دارد و وابسته به ذوق و طبع متغیر افراد نیست^۵ اگر معیار ثابتی برای زیبایی حقیقی در نظر گرفته نشود، ممکن است امری که از نظر فردی زیبا باشد که از نظر فردی دیگر زیبا نیست. برای دستیابی به معیارهای ثابت برای زیبایی باید به قرآن رجوع کرد تا ستودن زیبایی که هرکسی تشخیص می‌دهد، به عنوان تحسین کردن زیبایی قلمداد شود. نکته دیگر اینکه آنچه در این مقاله بیانگر تحسین است در عرف قرآن، با عنوان «حمد» یاد می‌شود که عبارت است از «ثنا و ستایش خداوند به صفات کمال، ثنا و ستایش در برابر عمل زیبا و جمیلی که ثنا شونده به اختیار خود انجام داده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۰). لذا در تحسین حسن، برخلاف مدح، زیبایی‌های غیر اختیاری، ستوده نمی‌شود. بلکه زیبایی و کمالی که با اختیار بروز کرده، تحسین می‌شود و حمد، تحسین حسن حقیقی و اختیاری است.^۶

تحسین هر کمالی در واقع باید نسبت به تحسین منشأ آن کمال برگردد و از آنجایی که منشأ و مالک همه کمالات، خداوند است، می‌توان گفت هر تحسینی همیشه به حمد خداوند منتهی می‌شود. لذا تحسینی که در این مقاله مدنظر است، تحسین حسن حقیقی و اختیاری است که در ادبیات قرآنی حمد گفته می‌شود^۷ حمد و به عبارتی تحسین صفات کمالی خداوند، برای آدمی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است چنان که حدود انسانیت در او بر مبنای معرفت حمد او تعریف می‌شود. در کلام امام سجاد (ع) آمده است: «حمد و سپاس خداوندی را که اگر معرفت حمد خویش را از بندگان خود دریغ می‌داشت، در برابر آن همه نعمت‌ها که از پس یکدیگر بر آنان فرو می‌فرستاد، آن نعمت‌ها به کار می‌داشتند و لب به سپاسش نمی‌گشادند، به رزق او فراخ روزی می‌جستند و شکرش نمی‌گفتند و اگر چنین می‌بودند از دایره انسانیت برون می‌افتادند و در زمره چارپایان درمی‌آمدند، چنان می‌شدند که خدای تعالی در محکم تنزیل خود گفته است: چون چارپایان‌اند، بل از چارپایان هم گمراه‌تر» (صحیفه

از مشاهده امر زیبا در اثر هنری و آثار القایی که در اثر این مواجهه بر او گذاشته و او را به تحسین زیبایی واداشته، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا از این زاویه، موضوع تحسین زیبایی در عرصه هنری مطرح می‌شود که تاکنون از چنین زاویه‌ای به آن پرداخته نشده است. در پژوهش‌های قرآنی و تفاسیر قرآن به شکل توصیفی و معرفتی به مباحث پرداخته می‌شود. به این صورت که در این مقاله مدلی فرآیندی مورد استفاده برای هنرمندان از مباحث معرفتی قرآن استخراج شده است.

یافته‌ها

• تحسین زیبایی

معنای لغوی تحسین کردن را طبق فرهنگ لغات فارسی به طور اختصار می‌توان این‌گونه بیان کرد: تعریف و تمجید کردن، پسندگی و مرحبا و آفرین گفتن، ثنا، ستودن، مدح، مدیحه، اعجاب، نیک و نیکوشمردن و معنای متضاد با تنقید، انتقاد و تقبیح دانست^۴ از این معنای لغوی بر می‌آید که تحسین کردن واکنش فرد است در مقابل رؤیت و درک و تشخیص زیبایی و نیکویی. لذا با یک تحلیل عقلی ساده می‌توان دریافت که برای تحسین کردن لازم است ابتدا فرد با موضوع دارای حسن یا حسن بروز یافته‌ای روبرو شود. پس به نظر می‌رسد که می‌توان مواجهه با زیبایی را به عنوان اولین مرحله از فرآیند تحسین زیبایی به حساب آورد. پس از اینکه فرد با یکی از نمودهای حسن مواجه می‌شود، باید بتواند حسن آن را تشخیص دهد. لذا تشخیص و فهم زیبایی و انطباق و تصدیق حسن مشاهده شده با حسنی که توسط فطرت فهمیده می‌شود، مرحله بعدی از فرآیند تحسین کردن است.

شناخت به مثابه توانایی ما برای فهم اثر هنری است زیرا اثر هنری توسط ایده و تفکر انسانی ساخته می‌شود. در حقیقت زمانی که مخاطب با اثر هنری روبرو می‌شود قرائتی از آن دارد که این قرائت، نوعی بازآفرینی است. در این بازآفرینی اثر مخاطب با توجه به دانش قبلی و پیش‌فهم‌های خود و در ترکیب با آنچه اثر به او داده است به معنای جدیدی دست می‌یابد (مظفر، وطن‌دوست، شایگان‌فر و طباطبایی، ۱۳۹۳). میزان جذب افراد در مواجهه با امری که آن را زیبا دانسته‌اند متفاوت است. ممکن است شدت جذب از زیبادانستن به حدی شود که احساساتی را درون فرد فعال کرده و عکس‌العمل‌هایی از او بروز کند. شاید بتوانیم به انواع عکس‌العمل‌های مثبت و هم‌راستا در مواجهه با زیبایی، تحسین بگوییم. این عکس‌العمل‌ها می‌تواند در مراحل مختلفی ابراز شود. اعم از اینکه با دیدن امر زیبا، تنها تأییدی در وجود فرد مبنی بر زیباانگاشتن آن امر رخ داده و این

سجاده، دعای یکم).

بر این اساس مهم‌ترین و بارزترین رخداد برای انسان در مواجهه با حسن، ابراز تحسین حسن (حمد) است.

دسته‌بندی آیات حمد در قرآن براساس مواجه کردن با

سطوح حسن

تحسین در اثر مواجه شدن با حسن بروز می‌کند؛ اما اینکه مواجهه با چه سطحی از حسن صورت می‌گیرد، می‌تواند نوع تحسین را متفاوت کند. لذا برای این منظور ابتدا باید سطوح حسن و زیبایی تبیین شود.

با تأملی در زیبایی و حسن در آیات قرآن به نظر می‌رسد که زیبایی از منظر قرآن دارای سطوحی است:

سطح اول: تجلی وجودی حسن در اسماء الحسنی

سطح دوم: تجلی حسن و زیبایی در موجودات و مخلوقات
سطح سوم: فهم، تشخیص و ادراک حسن و زیبایی توسط فطرت انسان

سطح چهارم: بروز اختیاری در انسان از حسن و زیبایی در رفتار و اعمال و گفتار

سطح پنجم: آثار حسن و زیبایی در عاقبت و سرانجام اعمال و رفتار انسان

به تعبیر دیگر اگر به زیبایی از منظر جنس و ذات آن توجه شود، حسن و زیبایی جنس وجودی دارد (سطح اول). اگر به

زیبایی از منظر بروز مستقیم آن توجه شود، تجلی حسن و زیبایی در موجودات و مخلوقات و هستی به صورت تمامیت و کمال عنوان می‌شود (سطح دوم). اگر به زیبایی از منظر

تشخیص آن توجه شود، قابلیت درک و تشخیص حسن و زیبایی توسط فطرت سالم انسان مدنظر است (زیبایی طلبی فطری انسان: سطح سوم). اگر به حسن از منظر حکمت

وجودی آن توجه شود، حسن در بروز اختیاری در انسان موضوعیت دارد که هنر و هنرمند قرآنی در این سطح مطرح می‌شود (سطح چهارم). در نهایت اگر به حسن از منظر آثار

و ثمرات آن نگاه شود، عاقبت و نتیجه حسن بیان می‌شود. اثرگذاری هنر و آثار هنری در این سطح قابل بررسی است (سطح پنجم)؛ (مظفر، ۱۳۹۶). گفته شد که حمد، تحسین

زیبایی است، پس می‌توان هر حمدی را با توجه به سطح حسنی که تحسین شده، دسته‌بندی کرد. برای این منظور ابتدا تمام آیاتی که واژه حمد در آنها ذکر شده، احصا می‌شوند. سپس موضوع و سطح حسن و زیبایی که به سبب

مواجه کردن با آن، در آیه، حمد بیان شده، مشخص می‌شود. به طور مثال در بعضی آیات به واسطه مواجه کردن با اسماء و صفات و افعال خداوند، حمد بیان شده است؛ مانند الحمد لله رب العالمین، و در بعضی آیات، موضوع حمد، اقرار به حمد است، از قول افرادی که به واسطه مواجهه با دریافت نعمتی،

زبان به حمد پروردگار گشوده‌اند.

مراتب حمد

بعد از موضوع‌بندی آیات، موضوعات در پنج دسته کلی قابل دسته‌بندی هستند که به عنوان مراتبی برای حمد قابل ارایه است.

۱. حمد مطلق: مواجه کردن با حسن در سطح وجودی: موضوع حمد: صفات پروردگار (تحسین حسن مطلق)

۲. حمد تکوینی: مواجه کردن با حسن در سطح موجودات: موضوع حمد: آیات (تحسین حسن در موجودات)

۳. معرفت حمد: مواجه کردن با حسن در سطح ادراک: موضوع حمد: برانگیختن ادراک (تحسین ادراک حسن)

۴. بروز حمد: مواجه کردن با حسن در سطح بروز: موضوع حمد: ابراز حمد در برابر نعمات (تحسین ابراز حسن)

۵. عاقبت حمد: مواجه کردن با حسن در سطح عاقبت: موضوع حمد: عاقبت و سرانجام (تحسین عاقبت حسن)

با دسته‌بندی آیات حمد در مراتب حمد به نظر می‌رسد که مراتب حمد نیز به عنوان مدل‌های تحسین قابل ارایه است.

● مدل‌های القای تحسین زیبایی (حمد):

برای دستیابی به مدل‌هایی برای تحسین زیبایی حقیقی و اختیاری، باید از مراتب حمد که در قرآن ذکر شده، بهره برد.

● مدل القای تحسین وجودی (حمد مطلق):

در این مدل تحسین، سطحی از حسن که با آن مواجهه صورت می‌گیرد، سطح وجودی حسن (صفات پروردگار) است. هنرمند با استفاده از این مدل، قصد دارد مخاطب را با

زیبایی مطلق مواجه و تحسین این زیبایی را به او القا کند. در این مدل، هنرمند صرفاً موضوعات هنر خود را می‌تواند انتخاب کند. اما نکته مهم در مدل مذکور این است که چون

مواجهه مستقیم با حسن مطلق برای انسان عادی مقدور نیست، برای این امر از روش‌های مواجه کردن با صفات حسن مطلق و ارتباطی که انسان با حسن وجودی برقرار می‌کند استفاده می‌شود که شاید به نظر، ادراکی یا بروزی باشد اما

چون با محوریت حسن وجودی شکل گرفته، در این قسمت قرار می‌گیرد.

فرآیند و مراحل تحقق این مدل تحسین وجودی (تصویر ۱):

ایجاد تحسین وجودی توسط هنرمند:

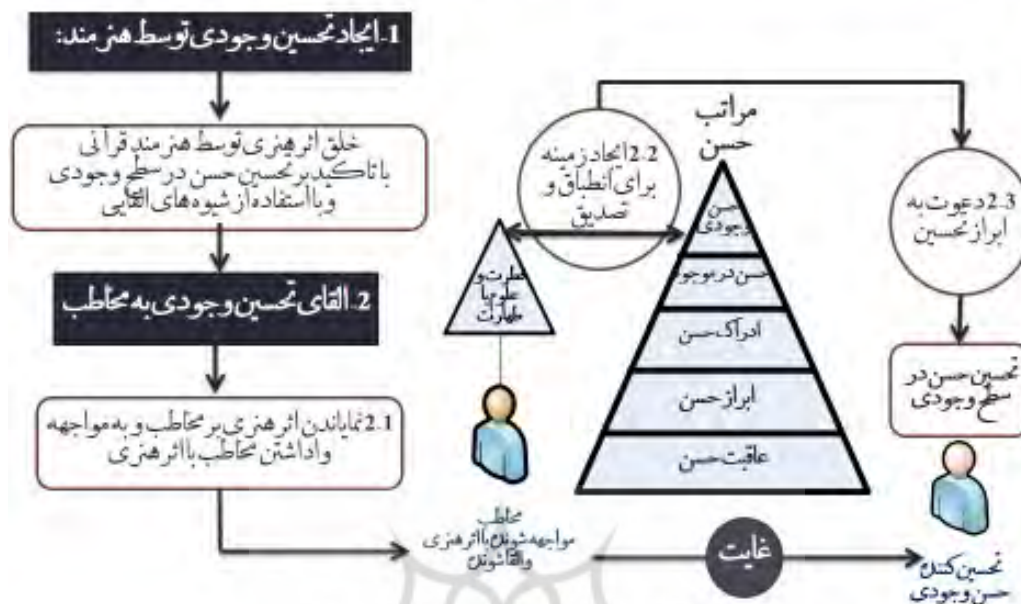
۱. خلق اثر هنری توسط هنرمند قرآنی با تأکید بر تحسین حسن وجودی و با استفاده از شیوه‌های القایی.

۲. القای تحسین وجودی به مخاطب:

• ارایه اثر هنرمند، نمایاندن اثر هنری بر مخاطب با تأکید بر نمایاندن زیبایی در سطح وجودی و به مواجهه و داشتن مخاطب با اثر هنری (فرآیند القا):

• مواجه کردن مخاطب با حسن وجودی نمایان شده در

نمودار مدل يك: مدل القای تحسین وجودی



تصویر ۱. مدل تحسین وجودی. مأخذ: نگارندگان.

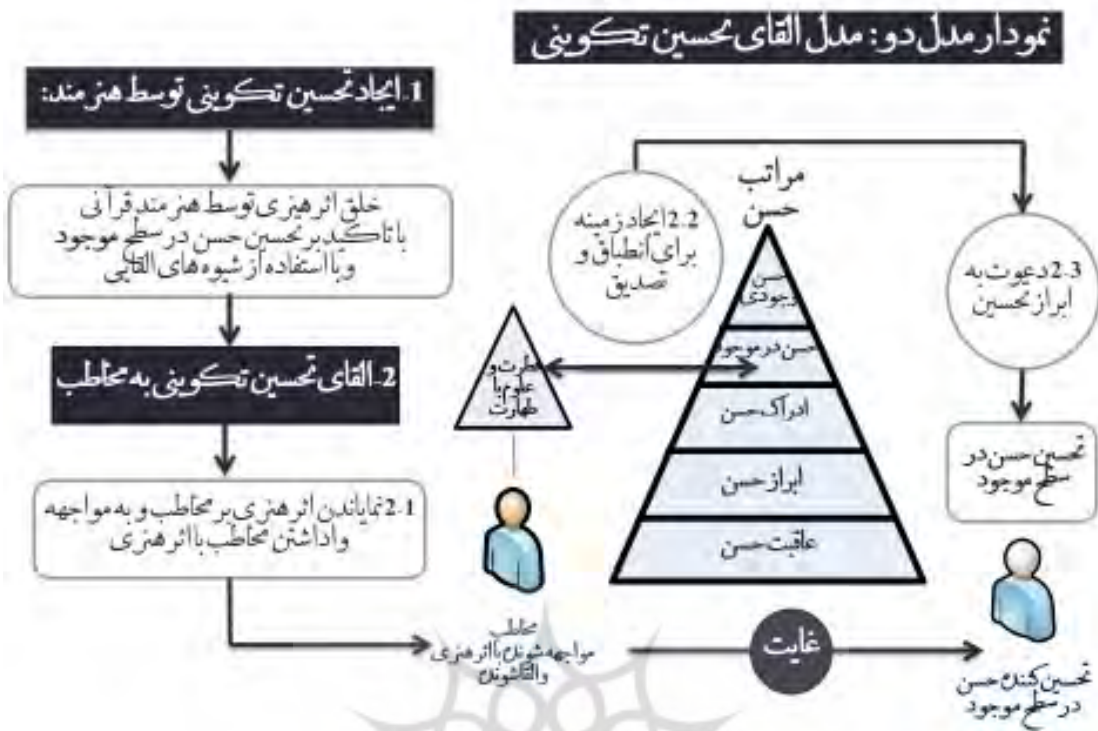
مسیر دور شدن از آن متمایز کرده، نسبت به اولی اعلام طلب و نسبت به دومی اعلام بیزاری و برائت می‌کند. به عنوان مثال، ادبیات دعایی و اشعار مناجاتی در هنرهای کلامی و ادبیات از نمونه‌های استفاده از این روش است.

● مدل القای تحسین تکوینی (حمد تکوینی) هنرمند در این مدل با مواجه کردن مخاطب با بروز حسن در سطح موجودات (طبیعت و آیات و جلوه‌های خداوند در تکوین)، تحسین خالق موجودات و حمد خداوند را القا می‌کند. در این مدل که شاید اولیه‌ترین مدل تحسین باشد، در واقع بهانه ادراک حسن و تحسین و حمد خداوند، مواجه کردن فرد با طبیعت به عنوان آیه و نشانه خداوند و تفکر و تعقل در این نشانه‌هاست. موضوع و ایده هنری در این مدل به تصویر کشیدن طبیعت است؛ به گونه‌ای که تحسین خالق آن را در مخاطب برانگیزد. مراحل مدل تحسین حسن بروز یافته در طبیعت (تصویر ۲):

۱. ایجاد تحسین در سطح موجودات توسط هنرمند: خلق اثر هنری توسط هنرمند قرآنی با تأکید بر تحسین حسن در سطح موجود و با استفاده از شیوه‌های القایی.

۲. القای تحسین موجود به مخاطب:
 • ارایه اثر هنرمند، نمایاندن اثر هنری بر مخاطب با تأکید بر نمایاندن زیبایی در سطح موجود و به مواجهه واداشتن

اثر هنری.
 • ایجاد زمینه برای انطباق حسن دریافت شده با فطرت و علوم با طهارت و تصدیق حسن توسط مخاطب.
 • دعوت به ابراز تحسین حسن وجودی توسط مخاطب.
 ۳. هدف نهایی: تبدیل مخاطب اثر هنری به عنوان مواجهه‌شونده با حسن وجودی و القاشونده به تحسین‌کننده حسن وجودی.
 شیوه‌های القایی برای القای مدل تحسین حسن وجودی به مخاطب وجود دارد که از آیات ذیل این گروه از حمد برداشت شده است. از جمله شیوه مواجه کردن مخاطب با توصیف صفات حسن و طلب حسن (تبیین نسبت خودمان با حسن)^۸ که از سوره حمد برداشت شده است. دیدن جنبه‌های مختلف حسن وجودی و طلب کردن راهی برای رسیدن به آن، روشی است برای القای تحسین حسن وجودی که هنرمند می‌تواند از آن بهره ببرد. هنرمند با این روش برای تحسین حسن وجودی، به توصیفات مختلفی از حسن وجودی و جنبه‌های متفاوت آن می‌پردازد و نسبت خود را با این حسن تبیین کرده و آن را طلب می‌کند. هر چه شناخت از حسن وجودی بیشتر شود، احساس طلب و جستجوی راهی برای نیل به سوی آن بیشتر می‌شود. در این روش آسیب‌شناسی مسیر نیز وجود دارد به گونه‌ای که مسیر نزدیک شدن به حسن را از



تصویر ۲. مدل تحسین حسن در سطح موجود. مأخذ: نگارندگان.

● مواجه کردن با خود و طبیعت به قصد ادراک حسن بروز یافته در موجود (ادراک نسبت خود با طبیعت به عنوان آیات و نشانه های حسن مطلق)^۹

در این روش هنرمند خلقت طبیعت و انسان و نسبتی که میان این دو است را به نمایش گذاشته و مخاطب را برانگیزد تا در خلقت خود نگاهی دوباره داشته باشد و خود را جزئی از طبیعت و مخلوق این همه زیبایی ببیند و از این مسیر تحسینش نسبت به حسن بروز یافته در خود و طبیعت برانگیخته شود. به عنوان مثال نشان دادن بهره مندی انسانی از طبیعت و استفاده بهینه از امکانات آن می تواند مخاطب را به تحسین حسن در طبیعت ترغیب کند.

● مدل القای تحسین ادراکی (معرفت حمد)

هنرمند در این مدل از مواجه کردن مخاطب با حسن در سطح ادراک استفاده می کند. بدیهی است که هر تحسینی محصول ادراک حسن در هر سطحی است؛ اما در این مدل به طور ویژه با بهره گیری از روش های به کارگیری مثل و سؤال و ... برانگیختن ادراک فرد در جهت ادراک حسن مدنظر است که این امر به تعبیری از مهم ترین رسالت های هنر به حساب

مخاطب با اثر هنری (فرآیند القا) :

- مواجه کردن مخاطب با حسن در سطح موجود که در اثر هنری نمایان شده.
- ایجاد زمینه برای انطباق حسن دریافت شده با فطرت و علوم با طهارت و تصدیق حسن توسط مخاطب.
- دعوت به ابراز تحسین حسن بروز یافته در موجودات توسط مخاطب.

۳- هدف نهایی: تبدیل مخاطب اثر هنری به عنوان مواجهه شونده با حسن در سطح موجود و القا شونده به تحسین کننده حسن

این مدل تحسین در هنرهایی که به نوعی طبیعت را به تصویر می کشند قابل پیاده شدن است. هنرهایی اعم از موسیقی های برگرفته از طبیعت، عکاسی های جزئی و یا کلی از طبیعت، مستندسازی و هنرهایی که از سنگ، چوب، برگ و سایر مواد طبیعی و رنگ و نقش های شگرف آن استفاده می شود و ... از این مدل و روش های آن برای القای تحسین زیبایی تجلی یافته در طبیعت، می توانند بهره ببرند. این مواجه کردن به شیوه های القایی زیر امکان پذیر است :

می‌آید. مراحل مدل تحسین ادراک فطری حسن :

۱. ایجاد تحسین در سطح ادراک توسط هنرمند :

خلق اثر هنری توسط هنرمند قرآنی با تأکید بر تحسین حسن در سطح ادراک و با استفاده از شیوه‌های القایی.

۲. القای تحسین ادراکی به مخاطب :

ارایه اثر هنرمند نمایانند اثر هنری بر مخاطب با تأکید بر نمایانند زیبایی در سطح ادراک و به‌مواجهه‌واداشتن مخاطب با اثر هنری (فرآیند القا)؛ (تصویر ۳):

مواجه‌کردن مخاطب با حسن در سطح ادراک که در اثر هنری نمایان شده.

ایجاد زمینه برای انطباق حسن دریافت‌شده با فطرت و علوم با طهارت و تصدیق حسن توسط مخاطب.

دعوت به ابراز تحسین حسن در سطح ادراک توسط مخاطب.

۳. هدف نهایی : تبدیل مخاطب اثر هنری به عنوان مواجه‌شونده با حسن در سطح ادراک و القاشونده به تحسین‌کننده حسن. مواجه‌کردن با مثل و مقایسه ادراک حسن و سوء جهت برانگیختن قدرت ادراک فطری در تشخیص تمایز بین حسن و سوء و تصدیق برتری حسن نسبت به سوء که منجر به عمل به حسن شده و تقبیح عدم استفاده از علم و ادراک فطری که منجر به تکذیب حسن می‌شود. مثل و داستان، قالبی است که هنرمندان برای بیان غیرمستقیم در هنرشان استفاده می‌کنند. همچنین ایجاد کنتراست مفهومی برای بدیهی‌بودن تفاوت زیبایی و زشتی و قابل تشخیص‌بودن برای مخاطب، روشی القایی است برای تحسین ادراک حسن. این تکنیک نه تنها در هنرهای ادبی و نمایشی قابل استفاده است بلکه در هنرهای تجسمی و تصویرسازی نیز کاربرد دارد. برای مثال مقایسه تصویرسازی فردی که بهره‌ای از ادراک حسن ندارد به شکل عید و بندهای که قدرت توان انجام کاری ندارد با به‌تصویرکشیدن فرد دیگری که به جهت بهره‌برداری از ادراک حسن، از انواع نعمت‌ها برخوردار شده. به گونه‌ای که تفاوت این دو آن‌چنان بدیهی است که تصدیق و ادراک حسن و تقبیح ادراک سوء هر فرد سالمی را در پی خواهد داشت (بهرهمندی از رزق حسن و انفاق : تبدیل حسن در سطح نعمت به حسن در سطح عمل)^{۱۰}.

● مدل القای تحسین اقراری (بروز حمد)

در این مدل از تحسین، هنرمند مخاطبش را با حسن در سطح ابراز مواجه می‌کند. به این معنا که هنرش را در جهت مواجه‌کردن مخاطب با ابراز تحسین‌هایی که افراد مختلف به جهت بهره‌مندشدنشان از انواع نعمت‌ها، در مقابل پروردگار داشتند، خلق می‌کند. مواجه‌شدن مخاطب با ابراز حمد‌های افراد مختلف به جهت بهره‌مندی‌شان از انواع نعمت‌ها، از این جهت تحسین خالق نعیم را به او القا خواهد کرد. مراحل مدل اقرار به تحسین حسن :

۱. ایجاد تحسین در سطح بروز هنر توسط هنرمند :

خلق اثر هنری توسط هنرمند قرآنی با تأکید بر تحسین حسن در سطح بروز افعال انسانی و با استفاده از شیوه‌های القایی.

۲. القای تحسین اقراری به مخاطب :

ارایه اثر هنرمند، نمایانند اثر هنری بر مخاطب با تأکید بر نمایانند زیبایی در سطح بروز افعال انسانی و به‌مواجهه‌واداشتن مخاطب با اثر هنری (فرآیند القا)؛ (تصویر ۴):

- مواجه‌کردن مخاطب با حسن در سطح بروز افعال انسانی که در اثر هنری نمایان شده.
- ایجاد زمینه برای انطباق حسن دریافت‌شده با فطرت و علوم با طهارت و تصدیق حسن توسط مخاطب.
- دعوت به ابراز تحسین حسن در سطح بروز افعال انسانی توسط مخاطب.

۳. هدف نهایی : تبدیل مخاطب اثر هنری به عنوان مواجه‌شونده با حسن در سطح بروز افعال انسانی و القاشونده به تحسین‌کننده حسن.

تصویر ۴. مدل القای اقراری. مأخذ : نگارندگان.

مواجه‌کردن با دعا و طلب برخوردار از حسن در ادراک و اعمال و عاقبت برای خود و نسل و تقبیح و برائت از ابتلا به سوء در ادراک و عمل و همچنین عمل به حسن به شیوه ایجاد فضا و جریانی همگانی برای گرایش و ادراک و عمل به حسن. اقرار به تحسین حسن وجودی در اثر مواجهه با اجابت دعا و دستیابی به حسن بعد از ابراز طلب حسن برای ایجاد و ادامه جریان حسن در جامعه^{۱۱}.

● مدل تحسین عاقبتی (عاقبت حمد)

هنرمند در این مدل از مواجه‌کردن مخاطب با حسن در سطح عاقبت و سرانجام برای تحسین و حمد پروردگار بهره می‌برد. به‌تصویرکشیدن و مواجه‌کردن مخاطب با عاقبت زیبای زیبایی و عاقبت زشت زشتی، مخاطب را به سمت تحسین زیبایی و تقبیح زشتی رهنمون خواهد کرد. مراحل مدل تحسین حسن در سطح عاقبت :

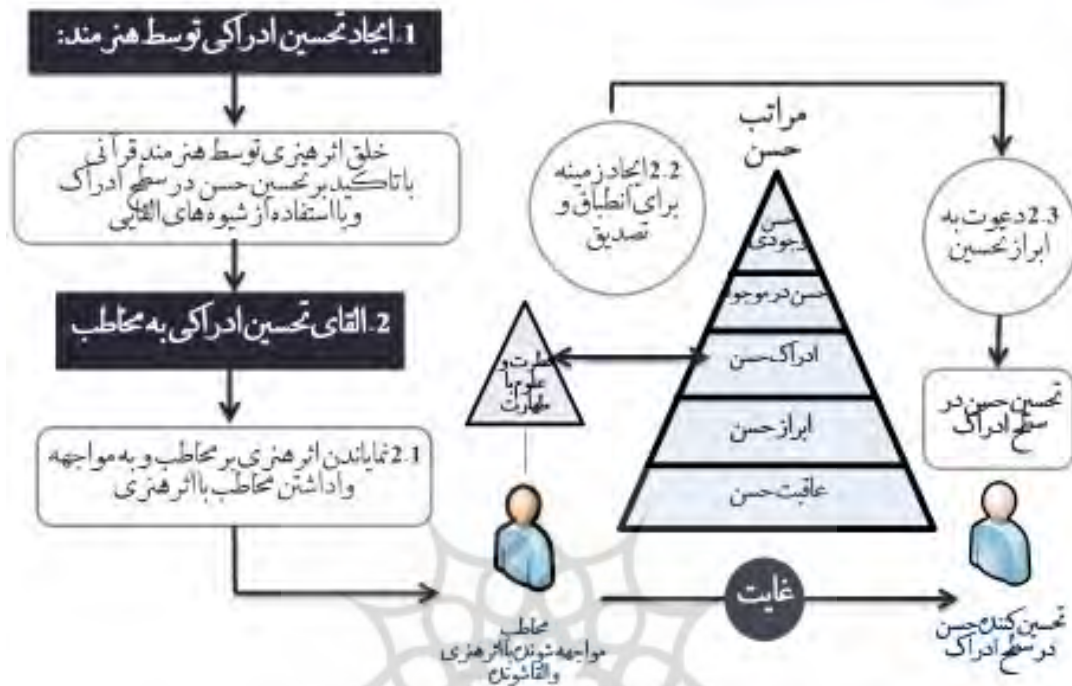
۱. ایجاد تحسین در سطح عاقبت توسط هنرمند :

خلق اثر هنری توسط هنرمند قرآنی با تأکید بر تحسین حسن در سطح عاقبت و با استفاده از شیوه‌های القایی

۲. القای تحسین اقراری به مخاطب :

- ارایه اثر هنرمند، نمایانند اثر هنری بر مخاطب با تأکید بر نمایانند زیبایی در سطح عاقبت و به‌مواجهه‌واداشتن مخاطب با اثر هنری (فرآیند القا)؛ (تصویر ۵) :
- مواجه‌کردن مخاطب با حسن در سطح عاقبت که در اثر هنری نمایان شده.
- ایجاد زمینه برای انطباق حسن دریافت‌شده با فطرت و علوم با طهارت و تصدیق حسن توسط مخاطب.

نمودار مدل سه: مدل القای محسین ادراکی



تصویر ۳. مدل القای تحسین ادراکی. مأخذ: نگارندگان.

تحسین حسن وجودی است.

• دعوت به ابراز تحسین حسن در سطح عاقبت توسط مخاطب.

نتیجه گیری

هر تحسین حسنی به هر شیوه‌ای که پرورز پیدا کند براساس ذکر شریف الحمد لله، همیشه حقیقتاً به حسن جودی و حسن مطلق برمی‌گردد. به طور خاص هر هنری، به تحسین هر سطحی از زیبایی بپردازد، در واقع خالق و مالک زیبایی را ستوده است. پس اصل و مقصد همه تحسین‌ها به پروردگار برمی‌گردد زیرا او خالق و مالک همه زیبایی‌ها و کمال‌ها و توان‌هاست. لذا تحسین کردن منحصر به اوست. از این وجه، تمام تحسین‌ها وجودی است.

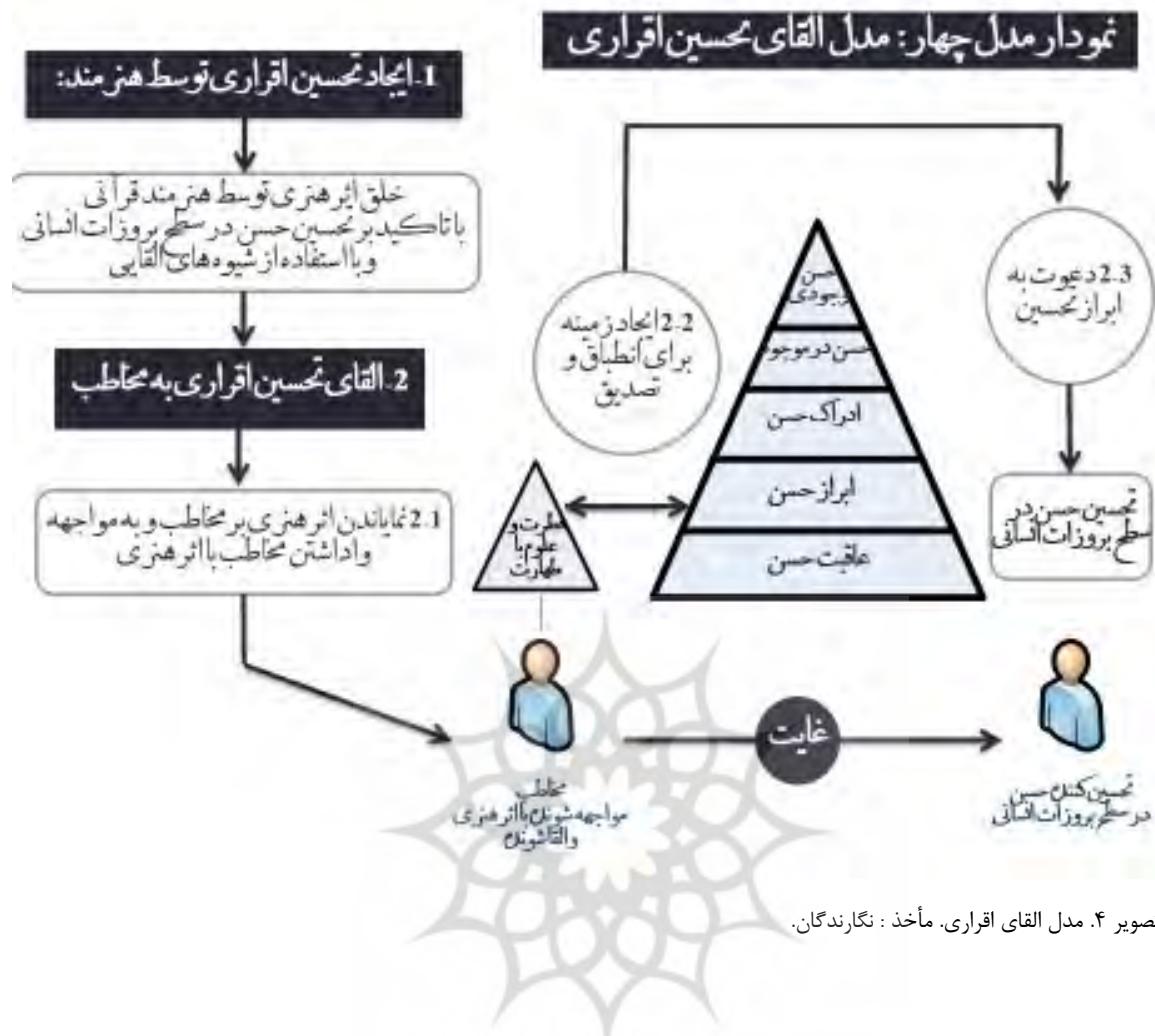
هر چه در این عالم است مخلوق پروردگار است که زیبایی در آن حلول یافته و قابل درک و دریافت است. لذا از این جهت، همه تحسین‌ها تکوینی و وابسته به موجودات و مخلوقات است.

هر گونه زیبایی توسط قدرت ادراک بشر، درک و دریافت شده و ادراک، لازمه تحسین است. لذا همه تحسین‌ها از این جنبه، ادراکی است.

هر حمد و تحسینی، باید به نحوی اقرار و ابراز شود. لذا همه

۳. هدف نهایی: تبدیل مخاطب اثر هنری به عنوان مواجهه شونده با حسن در سطح عاقبت و القا شونده به تحسین کننده حسن.

مواجه کردن با توصیف و تحسین عاقبت افرادی که در ادراکشان باور و محبت نسبت به حسن داشته و در اعمالشان بروز دادند، به حسن دست پیدا کردند و نهایت عاقبتشان به مواجهه و ادراک حسن وجودی دست یافتند به شکل ابراز تحسین حسن وجودی^{۱۲}. با این روش القایی، هنرمند از زیبایی‌پسندی فطری مخاطب استفاده کرده و عاقبت نیکوی افرادی را به تصویر می‌کشد که زندگی خود را با محبت به خداوند و اعمال خدایسندانه سپری کرده‌اند (تصویر ۳). نمود ادراکی و اعمالی زیبای فرد را نشان می‌دهد، با تأکید بر عاقبت زیبا. به این معنا که این عاقبت زیبا که می‌بینید و شما را به وجد می‌آورد و خواهان به دست آوردن آن می‌کند حاصل چیست؟ حاصل میل و طلبی است که این فرد نسبت به زیبایی داشته است. یا به تعبیر دیگر زیبا شدن، سرانجام زیباخواهی است و نهایت عاقبت تحسین حسن وجودی،

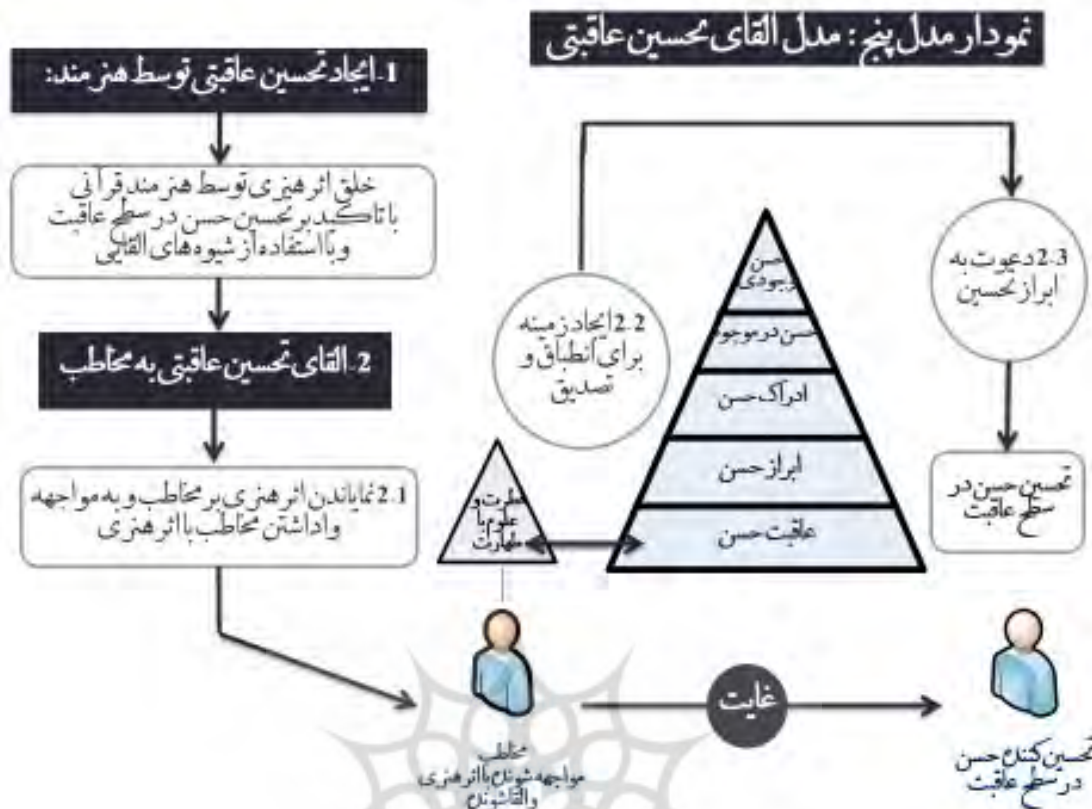


با بالاترین اثرگذاری بر شنونده، برای بیان و ابراز تحسین انتخاب شود، به این معنا که با توجه به نوع صفت کمالی تحسین شده و شرایط مخاطب (سن بلوغی) و بستر تحقق تحسین، مدلی انتخاب شود که دارای بیشترین اثر القایی به مخاطب بوده و بیشترین امکان تحقق غایت ابراز تحسین- که به تحسین کشیدن مخاطب است- را فراهم کند. تحسین هنرمند و مخاطب در جدول ۱ بیان شده است:

مطالب این رساله، مسایل بنیادی و نظری بوده ولی به لحاظ کاربردی می‌توان گفت که مراتب حسن و تحسین زیبایی در هنر می‌تواند جنبه کاربردی داشته باشد. به گونه‌ای که هنرمند و معمار، در اثر آفرینی‌اش با توجه به نیاز مخاطب، از چه سطح زیبایی بهره ببرد. منتقدان آثار هنری نیز ارزیابی آثار را با بهره‌گیری از سطوح حسن به عنوان یکی از مبانی ارزیابی دقیق‌تر انجام خواهند داد. مدیران فرهنگی جامعه هم می‌توانند با بهره‌مند شدن از علم به سطوح حسن و زیبایی و با در نظر گرفتن نیاز و رشد مخاطبین مشخص، در جهت انتخاب آثار هنری برای نمایاندن به مخاطبین، با توجه به بار

تحسین‌ها از این جهت، اقراری است. هر تحسینی عاقبت نیکویی دارد که در مقابل عاقبت ناگوار عدم تحسین زیبایی است. لذا همه تحسین‌ها از این وجه، عاقبتی است.

اما مدل‌های تحسین و شیوه‌های القایی هر کدام براساس پرداخت ویژه به یکی از این سطوح زیبایی بیان شده است. در واقع مواجهه و ادراک سطوح مختلف حسن، منجر به بروز مدل‌های مختلفی از تحسین می‌شود. لذا مدل‌های تحسین، براساس مواجهه با هر کدام از سطوح حسن تبیین می‌شوند. از این روی، هنرمند و معمار با توجه به هدفی که برای مواجه کردن مخاطبش با هر کدام از سطوح زیبایی اتخاذ کرده، اثرش در قالب یکی از این مدل‌ها قابل دسته‌بندی خواهد شد. در هر مدلی، شیوه‌هایی القایی برای مواجه کردن مخاطب با آن سطح از زیبایی پیشنهاد شده که هنرمند می‌تواند از یکی یا چند تا از این شیوه‌ها استفاده کند. به بیان دیگر، تعدد مدل‌های تحسین زیبایی با استعانت از ساختارهای القایی، این امکان را می‌دهد که مدل‌هایی



تصویر 5. مدل القای تحسین عاقبتی. مأخذ: نگارندگان.

جدول 1. مدل‌های تحسین هنرمند و مخاطب. مأخذ: نگارندگان.

مواجهه	ابراز تحسین
تحسین هنرمند	مراتب حسن
القای تحسین به هنرمند	مواجهاندن با اثر هنری
تحسین مخاطب	اثر هنری
	مراتب تحسین

نیازمند به مبانی علمی و تئوری‌هایی است که نه محصول نگرش‌ها و رویکردها و جهان‌بینی‌های غربی و نه انگیزه‌هایی برای هنرمندی‌کردن مانند لذت‌گرایی و تفنن باشد، بلکه هنری مدنظر است که در جهت ارتقای همه‌جانبه مخاطب به سمت کمال و زیبایی حقیقی و نشان‌دادن وجود مطلق پروردگار و تحسین و حمد او، غایتمند است و لذا محصول مطالعات این‌چنینی اگر در کاربرد هنری خود جریان نپذیرد، به شکل مطالعه‌ای دینی و مجزا از فضای هنری مانند بسیار مطالعه دیگر باقی مانده و هنر و هنرمندی در جامعه اسلامی، آبخوری جز اندیشه‌های غیردینی نخواهد داشت. لازم به ذکر است که کاربردی‌شدن این مفاهیم در مطالعات بعدی و با استخراج شیوه‌های القایی مدل‌های تحسین از قرآن، به شکل کاربردی‌تری قابل‌ارایه است. لذا در فضای تئوری و نظریه‌پردازی در باب زیبایی و هنر، سطوح حسن، در بررسی و دسته‌بندی تعاریف و نقد و ارزیابی تعاریف کاربرد مشخصی دارد. به این معنا که هر تعریفی از زیبایی با توجه به سطحی از زیبایی که به آن پرداخته، محک خورده و نقد یا پذیرفته می‌شود. معیار و مبنای تعریف و نظریه نیز با توجه به همان سطح تعیین می‌شود. هنرمند، با در نظر گرفتن سطوح حسن و اقتضای مخاطب در خلق اثرش، می‌تواند به جلوه و پرداخت یک یا ترکیب چند سطح از سطوح حسن پرداخته و این امر را

هدایتی و تربیتی هنر با مبانی قرآنی، دقیق‌تر عمل کنند. بعد از دستیابی به مراتب حسن و زیبایی و مراتب تحسین از قرآن، کارایی و کاربردی که این مراتب می‌تواند برای اقشار مختلف متصدی در هنر داشته باشد، قابل‌تأمل است. این بحث می‌تواند یکی از حلقه‌های اتصال مباحث میان‌رشته‌ای بین مطالعات قرآنی و مطالعات هنری قرار بگیرد. رجوع و بهره‌مندی از کلام الهی نشان‌دهنده چهارچوب نظری این رساله است که نگاهی دینی اسلامی و به طور مشخص قرآنی به مقوله هنر و زیبایی دارد. لذا وقتی بیان شامل هنر می‌شود، منظور هنر، هنرمند، اثر هنری، منتقد و فعالیتی است که در این فضا و با این رویکرد تحقق می‌پذیرد؛ و برای ادامه مسیر،

فراگیرتر است، پس- مدح- در چیزی است که از انسان با اختیار سر می‌زند و آنچه از- مدح- و درباره- مدح- گفته شده این است که انسان یا به خاطر بلندی قد و زیبایی چهره‌اش مدح و ستوده می‌شود، همان‌طور که به بخشش مال و سخاوت و علمش نیز مدح می‌شود ولی- حمد- فقط در مورد دوّم یعنی نسبت به آثار علمی و معنوی است نه موارد ظاهری. شکر هم در مقابل نعمت است پس هر شکر حمدی است و هر حمد و ثنایی شکر نیست و هر حمدی، مدح است و هر مدحی حمد و ثنا نیست. مَخْمُود- یعنی ستایش شده و صفت- محمد- هم در وقتی گفته می‌شود که خصلت‌های پسندیده در کسی که موردستایش است باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۴۰)

۷. از این قسمت رساله به بعد هر جا از تحسین نام برده شود منظور تحسین حسن حقیقی و اختیاری است.
۸. برگرفته از سوره مبارکه حمد.
۹. برگرفته از سوره مبارکه روم آیه ۱۸
۱۰. سوره مبارکه نحل آیه ۷۵
۱۱. سوره مبارکه ابراهیم آیه ۳۹
۱۲. سوره مبارکه یونس آیه ۱۰

فهرست منابع

• قرآن کریم

- آوینی، سید مرتضی. (۱۳۷۲). *آیینۀ جادو*. تهران: ساقی.
- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۳). *حمد، بروز حسن*. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت علیهم‌السلام.
- امامی جمعه، مهدی. (۱۳۵۸). *فلسفه هنر در عشق شناسی ملاصدرا*. تهران: فرهنگستان هنر.
- پازوکی، شهرام. (۱۳۸۸). *حکمت هنر و زیبایی در اسلام*. تهران: فرهنگستان هنر.
- تقدیر، سمانه. (۱۳۹۶). *تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه*. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی دانشگاه علم و صنعت، ۵ (۱۴): ۶۷-۴۸.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغتنامه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۷۴). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. ت: غلامرضا خسروی. تهران: مرتضوی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ت: سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
- عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ ق). *الفروق فی اللغة*. بیروت: دار الآفاق الجدیدة.
- عمید، حسن. (۱۳۸۹). *فرهنگ عمید*. تهران: آسیم.
- قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. ج ۹۴. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- محمدی، حمید، امینایی، سعید و هاشمی، رسول. (۱۳۹۴). *صحیفه سجادیه*. قم: انتشارات دارالعلم.
- مظفر، فرهنگ، وطن‌دوست، رسول، شایگان‌فر، نادر و طباطبایی، زهره. (۱۳۹۳). *مطالعه تطبیقی دیدگاه ملاصدرا به‌مثابه متفکر اسلامی با*

هوشیارانه و با علم به مراتب زیبایی به انجام برساند. منتقدان آثار هنری نیز با درنظرگرفتن و تعیین سطحی از زیبایی که اثر هنری به مخاطب را با آن مواجه می‌کند، می‌توانند ارزیابی دقیق‌تری از میزان این جلوه‌گری و اثرگذاری داشته باشند. در واقع سطوح حسن، معیار و مبنایی برای داوری و نقد در مورد آثار هنری به منتقدان خواهد داد. مدیران فرهنگی جامعه نیز می‌توانند با توجه به اینکه بهره‌مندی از مبانی نظری هنر اسلامی و سطوح حسن و زیبایی در تعیین اثر هنری برای نمایاندن آن به مخاطبان موردنظر به کار آمده، این امر را در جهت اعتلای رشد افراد جامعه و با توجه به سن رشد مخاطب و درخور او، متناسب با نیازها و شرایط او در نظر بگیرند. بهره‌های تربیتی و هدایتی که می‌توان از انواع آثار هنری به دست آورد، در جهت ایجاد تفکر و انداز در جامعه یا اصلاح رفتار و القای زیباپسندی و زیباگزینی، در نحوه و انتخاب نوع آثار هنری برای مخاطبین مشخص اثرگذار خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. اشاره به اقسام نام‌ها و بیان مراد از جمله: «فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»: تفسیر آیه ۱۱۰ سوره مبارکه اسراء (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۰۹).
۲. هریک از موجودات فی‌نفسه و برای خودش دارای حسنی است، که تمام‌تر و کامل‌تر از آن برای آن موجود تصور نمی‌شود. اما اینکه می‌بینیم موجودی زشت و ناپسند است، به یکی از این دو علت است: یا آن موجود دارای عنوان عدمی است که بدی و ناپسندی‌اش مستند به آن عدم است، مانند ظلم ظالم که بدان جهت که حقی را معدوم و باطل می‌کند زشت است. زشتی‌اش بدین جهت است که مخالف نهی شرعی یا مخالف مصلحت اجتماعی است و یا برای این است که با موجودی دیگر مقایسه‌اش می‌کنیم و از راه مقایسه است که زشتی و بدی عارضش می‌شود، مثلاً خار که در مقایسه با گل زشت و بد می‌شود. بدی و زشتی ذاتی آنها نیست، بلکه با مقایسه‌اش به چیز دیگر و سپس قیاسش با طبیعت خودمان می‌گوییم بد و ناگوار و زشت است. پس به‌رحال هیچ موجودی بدان جهت که موجود و مخلوق است متصف به بدی نمی‌شود، به دلیل اینکه خدای تعالی خلقت هر موجودی را نیکو خوانده و فرموده: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ - خَلَقَهُ خَلْقَهُ» خدایی که هر چیزی را نیکو خلق کرده»، این نتیجه به دست می‌آید که اولاً خلقت ملازم با حسن است، پس هر مخلوقی بدان جهت که مخلوق است حسن و نیکو است و ثانیاً هر زشت و بدی که تصور کنیم مخلوق خدا نیست، البته بدی و زشتی‌اش مخلوق نیست، نه خودش، که توضیحش گذشت. پس معصیت و نافرمانی و گناهان از آن جهت که گناه و زشت و بدند مخلوق خدا نیستند و بدی‌ها همه از ناحیه قیاس پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۷۳).
۳. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ نَفْسَهُ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۴: ۲۱۰).
۴. برداشت و تلخیص از کتاب‌های لغت دهخدا، عمید و فرهنگ‌ها و واژگان متضاد.
۵. الفروق فی اللغة: الباب الثالث والعشرون فی الفرق بین الحسن و الوضائة و البهجة و الطهارة و النظافة و ما یخالف ذلك من القبح و السماجة و غیر ذلك (عسکری، ۱۴۰۰ ق: ۲۵۸-۲۵۶).
۶. الْحَمْدُ لِلَّهِ تَعَالَى - یعنی ثنا و ستایش براساس فضیلت و معرفت برای خدای تعالی است. واژه- حَمْد- اخص از- مدح- و از آن والاتر و از واژه- شکر نیز

(۱۳۹۶). مراتب زیبایی، تصدیق و تحسین زیبایی برگرفته از مفهوم حسن در قرآن. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی دانشگاه علم و صنعت، ۵ (۴): ۱۴-۴.

نظریه‌های رایج در رابطه با مدل‌های زیباشناختی. فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی دانشگاه علم و صنعت، ۲ (۲): ۱۵-۲۸.
 • مظفر، فرهنگ، اخوت، احمدرضا، امین‌پور، احمد و پورصالحی، عاطفه.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مظفر، فرهنگ، اخوت، احمدرضا و پورصالحی، عاطفه. (۱۳۹۷). مدل‌های تحسین زیبایی برگرفته از مراتب حمد در قرآن. باغ نظر، ۱۵ (۶۶): ۴۰-۲۹.

DOI: 10.22034/bagh.2018.76899

URL: http://www.bagh-sj.com/article_76900.html

